



نقش تربیت دینی در تحقق صلح جهانی

یوسف ادیب *

سیاوش پورطهماسبی **

آذر تاجور ***

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۵/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۰/۱۵

چکیده

در این پژوهش نسبت تربیت دینی با صلح جهانی در سه محور؛ جهانی شدن و صلح، تربیت دینی در عصر جهانی شدن و چالش‌ها و راهکارهای تربیت دینی در فرایند صلح جهانی آن مورد بررسی قرار گرفته است. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی بوده است. به‌منظور گردآوری داده‌های لازم برای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش تمام اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع تربیت دینی و صلح جهانی با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها جمع‌آوری و با شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. باید گفت، صلح جهانی از پدیده‌های شاخص زمان حاضر است که ماهیت آن به‌واسطه در حال تحول و سیال بودن و همچنین، تازگی و جدید بودن مبهم است، با وجود این می‌توان آن را فرآیند شکیبایی و احترام گذاشتن به همه تفاوت‌ها و تنوع‌ها در جهت انکشاف وطن جهانی در فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا در سایه تربیت معنوی که به‌واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند، تعریف کرد. در این مقاله ضمن برشمردن اصول صلح جهانی به ارائه سه اصل مهم تأثیرگذار تربیت دینی - اسلامی در تحقق صلح جهانی پرداخته شده که عبارتند از: اخلاق حسنه، قول حسن و عمل صالح می‌باشد و در آخر به ارائه راهکارهایی برای نظام تعلیم و تربیت ایران پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، صلح جهانی، اسلام و راهکار.

* استادیار علوم تربیتی دانشگاه تبریز Email: tahmasbesiavash@yahoo.com

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بيله سوار Email: tajvarazar@yahoo.com

*** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بيله سوار Email: h

مقدمه

را قادر می‌سازد در برابر موقعیت‌های جدیدی که با آنها روبه‌رو می‌شود، پاسخ‌های سنجیده و شایسته ابراز دارد. آموزش صلح آگاهی در مورد خطراتی را که از طریق خشونت، فقر و ستم به زندگی انسان وارد می‌شود با جریان تعلیم و تربیت تلفیق می‌کند (هریس^۱، ۲۰۰۲).

از این رو ضرورت دارد از بیانان معنوی و روحانی مفاهیم دینی و به‌ویژه دین اسلام و تربیت اسلامی در برقراری صلح استفاده گردد. چرا که تنها این جامعه می‌تواند دانش‌ها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و توانایی‌هایی تربیت و تلفیق می‌کند (هریس را تعلیم دهد و از طریق تمرین‌های روزانه مفاهیم عدالت اجتماعی را که برای برقراری صلح در جهان لازم است، اجرا نماید. به عبارت دیگر تربیت دینی در جهت برقراری صلح همه ما را قادر می‌سازد تا به عنوان یک شهروند جهانی رفتار کنیم و شرایط موجود را از طریق تغییر دادن ساختار اجتماعی و الگوی تفکری که بر وضع موجود حاکم است، متحول سازیم. از این رو این بینش و تمایل به تغییر در قلب تعلیم و تربیت صلح قرار دارد.

اگرچه امروزه بسیاری از فعالیت‌های آموزشی و تربیتی در جهت برقراری صلح، مناسب جلوه می‌کنند؛ اما فقدان پیوستگی نظری و تعاریف فلسفی در مورد اهداف، موضوعات، شیوه‌ها و ارزشیابی قابل مشاهده هستند (هندریکسون^۲، ۱۹۹۹). در این شرایط دین و تربیت دینی می‌تواند آرمان شهر الهی را به انسان‌ها نشان دهد.

اگرچه صلح و آموزش صلح، مسئله‌ای به‌نسبت جدید به نظر می‌رسد؛ اما امروزه در قرن ۲۱ با افزایش انواع خشونت‌ها مانند توهین و تحقیر، قتل و غارت، تجاوز به حریم افراد و... پیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. امروزه افراد به آموزش صلح به‌عنوان روشی که به‌وسیله آن نظم جدیدی در جهان مبتنی بر احترام متقابل، سازش و مصالحه، عدالت، تداوم و حفظ محیط ایجاد می‌شود. در نوامبر ۱۹۸۸ ایالات متحده سال ۲۰۰۰ را به‌عنوان «سال بین‌المللی فرهنگ صلح» نامید و سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۱ را «دهه بین‌المللی فرهنگ صلح و عدم خشونت برای کودکان جهان» اعلام کرد. از آن زمان به بعد یونسکو برای توسعه فرهنگ صلح به انجام اقدامات و اصلاحاتی

امروزه فرایند جهانی شدن با شتاب روزافزون در حال عبور از مرزهای سیاسی، محدوده‌های فرهنگی و حریم‌های خانوادگی و فردی است. وقایع بین‌المللی نه فقط دولت‌ها؛ بلکه افراد را متأثر ساخته است. دو جنگ جهانی و آثار به‌جا مانده از آن، رشد سیستم‌های تسلیحاتی اتمی، ظهور جوامع فراصنعتی-امپریالیستی و تعارض میان آنها واقعه ۱۱ سپتامبر و تخریب زیست محیطی در سطح بین‌المللی نشان داده است که مردم عادی و حتی ساکنین نقاط دور افتاده از آثار شوم این تغییرات و رخدادها مصون نبوده و مجموعه این وقایع، جهان را به سمت سراسیمی پیش برده است.

البته در چنین وضعیتی، تغییرات سریع شرایط اجتماعی و اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان باعث بی‌ثباتی و شکل‌گیری ناامیدی، بی‌عدالتی، بی‌طرفی، پوچی، نابرابری و نفرت شده است. بدیهی است که عدم تربیت و آموزش صحیح این‌گونه پدیده‌ها، تخریب قابل ملاحظه و فزاینده‌ای در زندگی انسان‌ها به همراه داشته و از خاصیت حمایتی فرهنگ‌های بومی، مناسبات اجتماعی، همگرایی و همدلی‌ها کاسته است و موجب درگیری‌ها و تعارض‌ها در صحنه‌های اجتماع ملی و بین‌المللی گردیده است. «آموزش فرهنگ صلح منجر به پرورش و ترویج اعتقادات و اقداماتی خواهد شد که مردم هر کشور باید متناسب با ساختارهای ویژه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود به آن عمل کند. عامل اصلی تحکیم این فرهنگ در جامعه تبدیل رقابت‌های خشونت‌آمیز به همکاری‌های مبتنی بر ارزش‌ها و اهداف مشترک است» (فتحی و اجارگاه و اسلامی، ۱۳۸۷).

با توجه به اینکه خشونت و جنگ ابتدا در اندیشه و ذهن انسان‌ها آغاز می‌شود، بنابراین برای مقابله با آن نیز باید در جهت اصلاح و تغییر اندیشه و ذهنیت انسان‌ها اقدام کنیم. در این زمینه تعلیم و تربیت و به‌خصوص تربیت دینی صلح که منجر به تغییر خودآگاهی در افراد می‌شود، از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است. در این مورد «فردریک مایر» بیان می‌کند، تاکنون مؤثرترین عامل در خصوص تغییر و بهبود زندگی انسان‌ها، تربیت بوده است. از طریق تربیت، فرد صاحب صلاحیتی می‌شود که او

1. Harris

2. Hendrickson

و اجتماعی بودن، مردم‌سالاری واقعی، تسلط قانون عادلانه و برابری و عدالت است (جیمز^۴، ۲۰۰۳).

دین و جهانی‌شدن

با وجود دیدگاه‌های متفاوتی که درباره حضور و نقش دین، به‌ویژه در عصر حاضر دیده می‌شود، باید پذیرفت که دین و گرایش‌های دینی واقعیتی است که وجود دارد و چنان‌که گفته شد قدمتی به اندازه زندگی بشری دارد. از طرف دیگر شواهد موجود حکایت از آن دارد که دین نه تنها از بین نرفته است؛ بلکه جهان درگیر نوعی احیای دینی به اشکال مختلف است. بنابراین قبول دین به‌عنوان یکی از ضرورت‌های زندگی بشری امری اجتناب‌ناپذیر است (گلشنی، ۱۳۸۵). حال باید دید که آیا دین و رویکردهای دینی می‌توانند در کاهش بحران‌های جهانی مانند جنگ و خشونت، نقشی تأثیرگذار داشته باشند. آنچه مسلم است دین می‌تواند و باید نقشی تأثیرگذار داشته باشد. باید از درون حوزه ادیان به دنبال رفع خشونت و جنگ باشیم؛ یعنی برای رفع خشونت و اختلافات در میان پیروان ادیان و فرقه‌های گوناگون مذهبی باید به خود دین رجوع کرد. به عبارت دیگر باید در جستجوی رویکرد یا قرائت‌هایی از دین باشیم که بتوانند پاسخ‌گوی عصر حاضر، به‌ویژه با در نظر گرفتن شرایط جهانی شدن باشند. به علاوه این نوع قرائت و رویکرد باید به خشونت‌ها و چالش‌هایی که حتی ریشه دینی نیز ندارند، پاسخ‌گو باشد. به هر تقدیر، دین به‌عنوان یکی از ضرورت‌های زندگی باید بتواند راه‌حل و نقشی در رفع این بحران‌ها داشته باشد.

ویژگی‌های تربیت دینی

با توجه به مفروضه‌های فوق عمده‌ترین ویژگی‌های تربیت دینی که اتفاقاً می‌تواند در تحقق صلح جهانی نقشی بسیار مؤثر ایفا کند را به شرح زیر استنتاج نمود:

۱. تأکید بر انگیزه‌های دینی: نخستین گام در راه تربیت دینی، تلاش در جهت ایجاد انگیزه‌های درونی در فرد برای گرایش به دین و دینداری است. اصول تربیت دینی بنا به ماهیت

در ۸ نقطه مهم جوامع پرداخت که اولین و مهمترین این نقاط، سیستم آموزش و پرورش در نظر گرفته شده بود. چرا که سران یونسکو معتقدند بهترین روش برای مبارزه با خشونت، آموزش صلح از طریق نظام تعلیم و تربیت است (هارسیان^۱، ۲۰۰۱).

جهانی‌شدن و حمایت از صلح از طریق برنامه‌های تربیتی

جهانی‌شدن موجب انتقال بسیار سریع و گسترده فرهنگ‌ها و سبک زندگی مدرن در تمام حوزه‌های زندگی و حتی باعث تغییر در ارزش‌ها و هویت و روابط انسانی و عواطف انسان‌ها در تمام جهان شده است (ادوارد، ۲۰۰۰؛ بنونیست^۲، ۱۹۹۹). واقعیت این است که در طول تاریخ بشر، ملت‌ها همیشه دارای مناسبات متقابل اقتصادی - اجتماعی و تأثیر و تأثر فرهنگی و هویتی بوده‌اند و برخی از ملت‌ها بیش‌تر از بقیه بر دیگران تأثیر گذاشته‌اند و سبک زندگی خود را به‌گونه‌ای آشکار و پنهان در میان آن گسترده‌اند، اما تحولات سیاسی - اجتماعی قرن اخیر، همانند تغییرات اقتصادی و فنی و علمی و فرهنگی در این قرن در طول تاریخ نظیر ندارد. جهانی‌شدن نه تنها فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی؛ بلکه بر فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می‌گذارد (کارنوی، ۱۹۹۹، کارنوی و روتن^۳، ۲۰۰۲). به همین دلیل، برنامه‌ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی‌تواند بدون توجه عمیق و دقیق به تأثیرات جهانی‌شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت‌ها صورت گیرد.

حمایت از صلح یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌های متناسب با این دو مقوله در مراحل گوناگون زندگی هستند. آموزش صلح در عصر جهانی‌شدن به معنای آموزش شهروندی همراه با حقوق برابر و عادلانه به تمام اتباع یک ملت (از هر رنگ و نژاد و زبان و فرهنگ و باور، اندیشه و سبک زندگی) است. این آموزش‌ها می‌تواند در برنامه درسی هم جای گیرد، شامل حرمت نهادن به کیفیت و تنوع، قانون و حقوق و مسئولیت اجتماعی، نظم و آزادی، قدرت و پاسخ‌گویی، تفاوت و همکاری، فردیت

1. Harrisian
2. Edwards, Benveniste

3. Carnoy & Rhoten
4. James

است که متریبان را از نقش معرفتی عبادت آگاه ساخته و سعی کنند که تجربیات فردی آنان را در جهت درک هر چه بیشتر رابطه عبادت و معرفت، هدایت کنند (پیشین: ۲۳۹).

۷. تساهل و تسامح در تربیت دینی: با روش تسامح و تساهل تأثیر جدی‌تر و عمیق‌تری می‌توان بر دیگران گذاشت. بنابراین مواجهه‌ای مداراجویانه و صلح‌طلبانه با متریبان، یکی از عمده‌ترین روش‌های تربیت دینی به حساب می‌آید. در مجموع همان‌طور که مشاهده می‌شود تربیت دینی نه تنها به خشونت، خصومت و یا هر نوع جنگ و درگیری دامن نمی‌زند، بلکه در تقابل با قرائت‌های خشونت‌طلب نیز قرار می‌گیرد، چرا که ویژگی‌های رویکرد تربیت دینی - که در بالا به آنها اشاره شد - همگی به‌عنوان پیش‌نیاز و بستر لازم برای برقراری صلح جهانی محسوب می‌شوند.

۱۰ اصل مهم در برقراری صلح جهانی

اصل اول: هیچ صلحی بدون عدالت و هیچ عدالتی بدون صلح قابل تحقق نیست.

این اصل ناظر به کسانی است که یا فقط از عدالت در دنیا حرف می‌زنند یا فقط از صلح. در حالی که نمی‌شود خواهان عدالت بدون صلح بود و همین‌طور صلح بدون عدالت. عدالت بدون صلح به این معناست که من می‌خواهم به زور شمشیر عدالت را اجرا کنم. صلح و عدالت از یکدیگر غیرقابل انفکاک هستند.

اصل دوم: هیچ صلحی در جهانی که نابرابری‌های اجتماعی و فقر و گرسنگی در آن وجود دارد، محقق نمی‌شود.

انسان‌ها زمانی به هم نزدیک می‌شوند که فاصله‌ها از میان آنها برداشته شود، یعنی تا فقر، گرسنگی و نابرابری‌های اجتماعی و خودی و ناخودی هستند و کسانی می‌توانند همه کار کنند و کسانی نمی‌توانند هیچ کاری بکنند، انسان‌ها به هم نزدیک نمی‌شوند، چون کسی که در فقر شدید به‌سر می‌برد؛ نسبت به کسی که در رفاه شدید به‌سر می‌برد، بغض دارد.

اصل سوم: هیچ صلحی بدون رد مطلق خشونت قابل تحقق نیست.

معنای خشونت اجرای قانون نیست؛ بلکه اجرای مقاصد سیاسی

خویش نمی‌تواند مدافع بکارگیری روش‌های بیرونی به‌منظور ایجاد انگیزه در متریبان باشد. به‌تعبیر دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای پیشگیری از آسیب‌ها و اختلالات دینداری در جامعه، الگوی تربیت دینی باید در بطن خود با روانشناسی، روان‌درمانی عجین باشد (شمشیری، ۱۳۸۵).

۲. تأکید بر ابعاد اخلاقی تربیت دینی: به‌طور طبیعی ویژگی‌های نخستین، دومین ویژگی را نیز آشکار می‌سازد. درحقیقت، تربیت دینی اصیل و اصولی بدون ملاحظه جنبه‌های اخلاقی آن، معیوب و حتی در بسیاری از موارد موجب گمراهی و ضلالت متریبان می‌شود.

۳. تکیه بر ابعاد زیبا شناختی در تربیت دینی: این موضوع از دو جنبه قابل بررسی است. نخست از جنبه ارتباط انسان با مجموعه جهان هستی، در این معنا زیبا شناختی یعنی درک زیبایی‌های جهان و در نتیجه شناخت زیبایی حقیقی که همانا شناخت اولوهیت است. دومین جنبه‌های زیبایی شناختی به ارتباط انسان با خود دین مربوط می‌شود. در این حالت دین در کلیت خود به‌عنوان موضوع زیبایی‌شناسی تلقی می‌شود (پیشین: ۲۲۹).

۴. نقش عشق و محبت در تربیت دینی: آنچه امروزه در رویکرد حاکم بر تربیت دینی مشاهده می‌شود تلاش بر انطباق دین، علم و عقلانیت بشری در برنامه‌های درسی مربوط به حوزه دین است که خود این نگرانی را به همراه دارد و بسیاری از ابعاد و ارکان اساسی دین از جمله بعد زیبایی‌شناختی و عاطفی به نفع تبیین‌ها و توجیه‌های عقلانی - منطقی قربانی گردند (پیشین: ۲۳۰).

۵. تکیه بر تجربه‌های فردی در قلمرو تربیت دینی: امروزه بلای بزرگی که دامنگیر تربیت دینی شده مربوط به آموزش‌های نظری دینداری می‌شود. آنچه که موجب حصول معرفت حقیقی است، نه آموزش‌های نظری، بلکه شرکت کردن در موقعیت‌های تجربه‌ای و عملی است. در واقع یکی از اشکالات جدی نظام‌های نوین آموزش و پرورش در دنیا، همین مسئله یعنی نادیده انگاشتن تجربیات فردی دانش‌آموزان است.

۶. نقش معرفتی عبادت: برداشت معرفتی از عبادت، حکایت از آن دارد که در تربیت دینی نباید به عبادت تنها از دریچه تکلیفی و دستوری نگریسته شود. وظیفه مربیان دینی

مشکلات می‌نشینند، آمادگی این را داشته باشند که به صورت صلح‌آمیز و به‌گونه‌ای که نفع همه در آن باشد، مشکل را حل کنند، نه آنکه ببینند زور چه کسی بیشتر است.

اصل هشتم: صلح پایدار به وجود نمی‌آید، مگر اینکه تعلیم و تربیت براساس ارزش‌های عالی انسانی و دینی شکل گرفته باشد.

باید فرزندان خود را به‌گونه‌ای تربیت کنیم که سعه‌صدر داشته باشند. این‌گونه دل‌های انسان‌ها به هم نزدیک می‌شود.

ما باید فرزندان خود را به‌گونه‌ای تربیت کنیم که توانایی این را داشته باشند که در هر شرایطی و در هر جای جهان درست تصمیم بگیرند

اصل نهم: هیچ صلح پایداری تحقق پیدا نمی‌کند، مگر اینکه زنان در همه ساحت‌های زندگی انسانی حقوق مساوی حضور داشته باشند.

نیمی از انسان‌ها بانوان هستند، تا زمانی که در زنان حس محرومیت وجود دارد، صلح پایه محکمی پیدا نخواهد کرد. اگر داخل یک خانواده یک خانم احساس کند که تبعیض وجود دارد، اساس این زندگی خانوادگی نمی‌تواند بر عشق و علاقه باشد. در زندگی اجتماعی و سیاسی هم اگر زنان احساس کنند تبعیض هست و نمی‌توانند با همه توان به مشارکت اجتماعی و سیاسی بپردازند.

اصل دهم: صلح پایدار به وجود نمی‌آید، مگر اینکه به صورت مناسب و شایسته حقوق اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شود.

به‌رسمیت شناخته شدن حقوق اقلیت‌ها به این معناست که اقلیت‌ها بتوانند خود را تکامل ببخشند، یعنی بتوانند شکوفا شوند و فرهنگ خود را شکوفا کنند؛ به آنها نگوییم که اگر فرهنگ خود را شکوفا کنی با فرهنگ من تعارض پیدا می‌کند، چون ممکن است منطق تو قوی‌تر باشد و منطق من ضعیف‌تر و در نتیجه من مغلوب شوم.

صلح و آموزش صلح

صلح به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، در هر جامعه‌ای از نظام ارزشی و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی آن جامعه تبعیت می‌کند. برای همین تعریف کامل و جهان‌شمول آن تقریباً

با تمسک به زور است. هیچ صلحی بدون رد قاطع و مطلق خشونت در دنیا امکان‌پذیر نیست و با اعمال خشونت انسان‌ها به هم نزدیک نمی‌شوند، به‌خصوص اگر اعمال خشونت به نام دین انجام شود. این اعمال خشونت انسان‌ها را بیشتر از هم دور می‌کند.

اصل چهارم: هیچ صلحی در جهان بدون به رسمیت شناختن حرمت درونی و ذاتی همه اعضای خانواده بشری و بدون وجود یک سیستم حقوقی به‌عنوان تضمین‌کننده حقوق بشر تحقق پیدا نمی‌کند.

در این اصل از نزدیک شدن انسان به انسان سخن می‌رود نه از نزدیک شدن مسلمان به مسلمان و مؤمن به مؤمن. این دو مسئله با هم فرق دارد. صلح جهانی به‌معنای نزدیکی انسان به انسان به ماهو انسان است. پیروان هیچ دینی نمی‌توانند پیروان ادیان دیگر را با زور به دین خود درآورند. باید انسان به‌واسطه انسان بودنش حرمت داشته باشد.

اصل پنجم: هیچ صلحی در دنیا پایدار نیست، مگر اینکه بنیادهای کثرت‌گرایی اجتماعی به رسمیت شناخته شود.

کثرت‌گرایی در تفکر، کثرت‌گرایی در وجدان‌ها و آزادی دینی باید به رسمیت شناخته شود وگرنه، انسان‌ها به هم نزدیک نمی‌شوند. چارچوب‌های قانون اساسی کشورها باید در درجه اول مردم خود کشورها را به هم نزدیک کند. هر فردی به‌گونه‌ای فکر می‌کند؛ ممکن است من طرز تفکر دینی کسی را درست ندانم؛ اما باید تفکر و عقیده او را به رسمیت بشناسم. معنای به رسمیت شناختن این است که فرد امکان بیان و انتشار عقیده خود را داشته و مخالفان نیز امکان نقد آن را داشته باشند.

اصل ششم: گفتگو

گفتگو باید به این منظور اتفاق بیفتد که آگاهی همه طرف‌های گفت‌وگو درباره مسئولیت‌هایشان برای حل مشکلات بشریت، عمق پیدا کند، نه اینکه حقیقت مشخص شود. متأسفانه برخی «گفت‌وگو» را به معنای روشن شدن حقیقت به‌کار می‌برند.

اصل هفتم: هیچ صلح پایداری بدون آمادگی برای حل مسالمت‌آمیز نزاع‌ها و جلوگیری از نزاع‌های آتی محقق نمی‌شود.

مقصود از حل نزاع این است، کسانی که در کنار هم برای حل

درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی را محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد. آموزش شهروندی محلی و ملی و جهانی به دانش‌آموزان، بخش مهمی از این برنامه‌هاست (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

جهانی‌شدن و صلح

فرایند جهانی‌شدن به مدد گسترش روزافزون در فناوری‌های ارتباطی، منجر به نزدیکی و تعامل فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر شده است. این تعامل از یک طرف به پیشرفت جوامع از نظر فنی کمک کرده و از طرفی منجر به ظهور برخی مسائل و مشکلات مانند مسائل اخلاقی، قومی و نژادی، مذهبی، زیست محیطی و ... شده که مسائل مذکور، منشأ بروز برخی تعارضات و خشونت‌ها میان فرهنگ‌های مختلف گشته است. در این راستا و برای جلوگیری از شکل‌گیری و افزایش خشونت، نقش صلح و آموزش صلح بیش از پیش برجسته شده است.

امروزه فرایند جهانی‌شدن در تمام ابعاد خود، تغییر و تحولاتی را برای جوامع به ارمغان آورده است. این تغییر و تحولات به حدی هستند که چنانچه جامعه‌ای بخواهد به بقای خود ادامه دهد، ناگزیر از ایجاد برخی تغییرات همسو با فرایند جهانی‌شدن در بخش‌های مختلف خویش است. برای مثال سیستم تعلیم و تربیت که مهم‌ترین بخش تشکیل‌دهنده هر جامعه است، در صورتی می‌تواند به اهداف خویش دست یابد و در عین حال از مزایای جهانی‌شدن بهره‌مند گردد که تعلیم و تربیت شهروند جهانی (هدف نهایی آموزش صلح) را در اولویت اهداف خود قرار داده و فراگیران را به دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز آن مجهز سازد (محسن پور، ۱۳۸۵).

پیازنه^۴ (۱۹۸۹-۱۹۳۴) بیان می‌کند که صلح ممکن خواهد بود، اگر دیدگاه جهانی از طرف نظام تربیتی تقویت گردد. این دیدگاه جهانی شامل درک فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها فراتر از دیدگاه شخصی خود است. به‌منظور درک دیدگاه‌های دیگران با

غیرممکن است. اما به‌طور کلی دیدگاه و تعریف متفاوت در مورد صلح وجود دارد که به کوتاهی به آنها اشاره می‌شود: ۱. صلح به‌عنوان عدم جنگ و جلوگیری از بروز خشونت و تعارض در درون یک جامعه و نیز میان جوامع مختلف. ۲. صلح به‌عنوان ایجاد تعادلی پویا میان عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و تکنولوژیکی در سطح سیستم‌های بین‌المللی، ۳. صلح به‌عنوان صلح منفی (فقدان جنگ) و صلح مثبت (فقدان خشونت ساختاری) در سطوح کلان، ۴. صلح به‌معنای حذف خشونت فیزیکی و ساختاری در سطوح خرد (بین فردی) و کلان (بین‌المللی)، ۵. صلح به‌معنای تعاملی فاقد خشونت میان فرهنگ‌های مختلف، ۶. صلح به‌معنای رابطه‌ای منظم و منعطف با محیط، دنیا و به‌طور کلی هستی، ۷. صلح به‌معنای تمرکزی همه‌جانبه بر وجوه درونی و بیرونی انسان (بخشی و اویسی، ۱۳۸۲).

جینگ لین^۱ (۲۰۰۷) معتقد است یکی از چالش‌های قرن بیست و یکم ارائه آموزش‌هایی در زمینه دوستی بوده است، چرا که هدف باید تربیت شهروندانی باشد که بتوانند صلح را در جهان حاکم سازند. او بر این عقیده است که آموزش و پرورش قرن بیست و یکم باید بر تدریس فرهنگ صلح برای دانش‌آموزان تمرکز نماید. چرا که تعلیم و تربیت عامل مهمی برای ایجاد صلح جهانی می‌باشد و لازم است اهداف آموزش و پرورش در راستای هدف‌های مربوط به آگاهی‌های صلح‌جویانه براساس دوست داشتن تغییر جهت بدهد.

تعلیم و تربیت صلح، تربیتی است که شامل: رشد و توسعه دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز برای تبدیل فراگیران به «شهروندان جهانی» است (گروف^۲، ۲۰۰۵). از آنجایی که این تعلیم و تربیت در مورد خشونت و طرق رفع آن می‌اندیشد. بنابراین شامل مطالعاتی درباره تعارض اجتناب از تعارض، میان افراد، گروه و ملت‌هاست (سایت مدارس بین‌المللی^۳، ۲۰۰۶).

اگر آموزش و پرورش ایران بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی (همچون صلح و حقوق بشر) را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را در عصر جهانی‌شدن در قرن حاضر آماده کند. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه‌های

1. Lin
2. Groff

3. www.Isaschools.org
4. Piaget

صدقه یتبعهاذی (بقره/۲۶۳)؛ سخن خوش و گذشت، بهتر است از کمک مالی که همراه با آزار باشد».

عمل صالح

مهمترین و مؤثرترین بخش زندگی انسان را کردار او تشکیل می‌دهد و شخصیت هر کس و صدق گفتار او را از عمل و رفتار او می‌توان به دست آورد، از این رو در قرآن و سنت و اخلاق اسلامی به این موضوع اهمیت بسیار داده شده است. گرچه ریشه عدالت گرچه در دل و اندیشه است؛ ولی بروز و ظهور آن در عینیت خارج به وسیله کردار انسان می‌باشد و صلح و دوستی هنگامی واقعی است که از کلمات و الفاظ، گذشته و در خارج تحقق یابد و گر نه «صلح زبانی» چیزی جز فریبکاری نیست. اگر با گفتار، جهان اصلاح می‌شد، می‌باید پس از آن همه ادعاها درباره دمکراسی، آزادی، عدالت، حقوق بشر و سخنوری‌ها که در قرن اخیر شده است امروز جهانی بهشت گونه و پر از صلح، عدالت و دوستی داشته باشیم.

اصرار اسلام و ادیان آسمانی و حکما و معلمان بشریت بر تربیت و اصلاح رفتار انسان‌ها و پیشگیری مبارزه با مفاسد و جرائم اخلاقی و اجتماعی و آموزش «کردار نیکو» همه به سبب اهمیت نقش کردار پسندیده در پاکسازی جامعه از آشوب، نزاع، دشمنی و برقراری محیطی سرشار از سازگاری و امنیت و مهربانی بوده است.

در اینجا به چند بخش از مهمترین احکام قرآن و اسلام برای تحقق صلح که برگرفته از موارد فوق می‌باشد، اشاره می‌کنیم.

الف) نیکي به جای پاسخ بد

اگر عوامل نزاع و دشمنی را در روابط فردی، اجتماعی و ملی بررسی کنیم، می‌بینیم که یکی از مهمترین عوامل درگیری یا دوام دشمنی‌ها، رفتارهای متقابل در بدرفتاری دیگران است و فرقی نمی‌کند که دو شخص همسایه یا دو ملت همسایه باشند. اما اگر یک‌بار، به جای معامله به مثل، رفتاری نیک از یک طرف سرزند ممکن است برای همیشه غائله بخوابد و به جای فضای «خصم‌آلود» محیط دوستانه مهرآگینی بر پا گردد. قرآن مجید، مکرر به مؤمنین می‌آموزد که می‌توان در برابر رفتار ناشایست

دیدگاه شخصی خود، فهم نقطه نظرات سایر افراد و اجتناب از بدفهمی و تعصب شخصی ضروری است. براساس نگرشی مبتنی بر داد و ستد اجتماعی که فارغ از خود محوری اولیه است و همچنین درک روابط بین‌المللی، مشارکت صلح‌آمیز بین ملت‌ها میسر می‌گردد (هاکورت و اپن هایمر^۱، ۱۹۹۸).

باتوجه به آنچه گفته شد تربیت دینی و به‌ویژه آنچه «تربیت اسلامی» برای تحقق «صلح جهانی» پیشنهاد می‌کند موارد ذیل می‌باشد:

اخلاق حسنه

فکر و پندار نیک و پرهیز از بدگمانی، اولین قانون اخلاق اجتماعی است. قرآن در این نخستین گام، دستور صریح و استواری دارد و برای پرهیز از گمان بد (سوءظن) به دیگران بردن می‌گوید: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم؛ (حجرات/۱۲)؛ ای مؤمنان! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، چه برخی از گمان‌ها گناه است.» همچنین صفاتی مانند خودبزرگ‌پنداری (تکبر) یا خوارشمردن دیگران یا حسد و کینه‌توزی و حس انتقام‌جویی تا آنجا که در گفتار و عمل ظاهر نشده باشد نیز در سنت و اخلاق اسلامی به شدت نهی و منع شده است و بالعکس مؤمنین تشویق شده‌اند که مردم را دوست بدارند و به دیگران «حسن ظن» (گمان نیک) داشته باشند و دیگران را محترم و سزاوار بشمارند.

قول حسن

قرآن مجید بر نیکو سخن گفتن - که سرآغاز افعال اخلاقی و تراوش اندیشه انسان در جامعه است - تأکید بیشتری کرده، بلکه در آن اصرار دارد. از جمله می‌فرماید: «و قولوا للناس حسنا» (بقره/۸۳)؛ با مردم به زبان خوش سخن بگویید» همچنین (سوره نساء/۹ - اسراء/۵۳ بقره/۲۶۳) با تعابیر دیگر، این «قول حسن» تأکید شده است. در جای دیگری نیز فقط به زبان خوش که به بهترین زبان‌ها توصیه می‌کند و می‌فرماید: «و قل لعیبادی یقولوا الی‌هی احسن ان الشیطان ینزغ بینهم» (اسراء/۵۳)؛ یعنی ای پیامبر به مؤمنین بگو که به بهترین (زبان) سخن بگویند چه شیطان - اگر جز این باشد - میان شما وسوسه و دشمنی ایجاد خواهد کرد» و نیز در قرآن است: «قول معروف و مغفرة خیر من

1. Hakvoort & Oppenheimer

ج) عفو و گذشت:

قرآن مجید همواره به دنبال قانون و «حق معامله به مثل» برای ستم کشیدگان آنان را به گذشت بزرگوارانه و با عزت - و نه از روی ضعف و ذلت - از مجرم دعوت و تشویق می کند. اگرچه مقابله به مثل مصداق «عدالت» است و حتی از نظر اخلاقی نیز ناپسند نیست، ولی بالاتر از عدالت، همان گذشت و احسان است که نشانه قدرت روحی و عظمت شخصیت مؤمن است، قرآن مردم را به گذشت و احسان دعوت می کند.

آیات متعددی در این باره در قرآن مجید هست؛ از جمله آیه ۳۸ سوره شوری «جزاً سیئة، سیئة مثلها فمن عفا و اصلح فاجره علی الله؛ کیفر بدکرداری کاری همانند آن است، ولی (اگر) کسی ببخشد و اصلاح نماید پاداشش نزد خدا (محفوظ) است» و نیز این آیه «و لمن صبر و غفران ذلک لمن عزم الامور» همچنین آیه ۴۳ و «آنکس که بردبار باشد و (گناه دیگران را ببخشد، این کار از توانایی اراده (و قدرت روحی) اوست».

رفتار پیامبر اکرم (ص) در فتح مکه نمونه‌ای عملی از این قاعده اسلامی بود. وی که پس از سال‌ها تحمل آزار و شکنجه دشمنانش در مکه به مدینه مهاجرت کرده و در چند جنگ با آن کفار عزیزانی را از دست داده بود، وقتی توانست پیروزمندانه به زادگاه خود (جایگاه کعبه) به شهر مکه وارد شود و شنید که سرداران او فریاد می‌زنند «امروز روز انتقام است»، پیامبر اکرم (ص) در مقابل آن احساسات سربازان با صدای بلند ندا داد که امروز روز بخشش و ترحم است.

د) احسان

احسان از دید روانشناختی نشانه فضیلت روح و جوانمردی و بزرگواری شخص است. برخی از صفات اخلاقی، مانند عفو ممکن است به غلط به ضعف نفس تفسیر شود، ولی احساس همواره نشانه قدرت روح احسان کننده است. در قرآن و حدیث، مردم، فراوان به احسان مأمور شده‌اند؛ مانند آیه ۱۹۵ سوره بقره: «و احسنوا ان الله یحب المحسنین؛ احسان کنید که خداوند همانا نیکوکاران را دوست می‌دارد.» و آیه ۵۶ سوره اعراف: «ان رحمۃ الله قریب من المحسنین؛ رحمت خدا با نیکوکاران است.» در جای دیگر قرآن به این هم بسنده نکرده، بلکه احسان و نیکوکاری را یک مأموریت رسمی و یک قانون معرفی کرده و

دیگران با رفتاری نیکو، پاسخی نیکو داد. از جمله می‌فرماید: «ادفع بالتی هی احسن السیئه (مومنون/ ۹۶)؛ بدی را با بهترین رفتار خود پاسخگو باش و بدی‌ها را با رفتار بهتر خود از خود بران»، یعنی بهترین دفاع در برابر بدی‌های دیگران و درست‌ترین عکس‌العمل‌ها، همان رفتار با بهترین صورت اخلاقی است.

در آیه دیگر فرموده است: «ادفع بالتی هی احسن، فاذا الذی بینک و بینه عداوه کانه ولی حمیم (فصلت/ ۳۴)؛ دفاع از بدی‌ها و دشمنی‌ها باید با بهترین رفتارها باشد.» نتیجه این خواهد شد که میان شما و دشمنانتان عواطفی جایگزین خواهد شد که گویی بهترین دوستان و بستگان هستید.

ب) رفق و سازگاری:

مسلم است که خشونت همواره خشونت می‌آورد و نزاع، همیشه آتش جنگ و جدایی دل‌ها را برمی‌انگیزد؛ پس برای فرار از درگیری و ناسازگاری باید از این گزینه ناپسند حیوانی فاصله گرفت و بر خود و رفتار خود مسلط شد و آیین و آداب ویژه انسانی - یعنی گذشت و نیکی و حتی ایثار - را برگزید، چه آنکه نیکی، پیوسته نیکی به بار می‌آورد. به قول حافظ، حکیم و عارف بزرگ:

«درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد = نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد» برای ایجاد جامعه‌ای - ملی یا بین‌المللی - آکنده از امنیت و راحتی و صلح‌آمیز، باید بر اصول خاص انسانی تکیه داد و باید خوی حیوانی را به کناری گذاشت. در کنار رفق و سازگاری باید بردباری و پرهیز از خشم و رفتارهای برخاسته از آن را نیز افزود؛ از این رو پاره‌ای از آیات قرآن و احادیث، مؤمنان را به خودداری در برابر غضب خوانده است؛ از جمله در قرآن مجید در وصف مؤمنان می‌فرماید: «و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین (آل عمران/ ۱۳۴)؛ و کسانی که خشم خود را فرو می‌خورند و مردم را می‌بخشایند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

پیامبر (ص) به یاران خود می‌فرمود: «ان احبکم الی و اقربکم منی، احسنکم خلقاً؛ محبوب‌ترین و نزدیک‌ترین شما نزد من، خوشخوترین شماست» و خود او نیز الگوی اخلاقی بود؛ از این رو قرآن در وصف او فرموده است: «انک لعلی خلق عظیم (قلم/ ۱۴)؛ ای پیامبر همانا تو دارای خوی والایی هستی.»

داده‌اند، به نحوی که به تدریج خشونت جزئی از فرهنگ شده و در قالب رفتارهای عادی و روزمره نوجوانان و جوانان متبلور می‌شود، پدیده‌ای که از آن باعنوان «طبیعی‌سازی خشونت» نام برده می‌شود (فتحی، ۱۳۸۲). در این میان محاکم، مؤسسات و افرادی هستند که برای فرو نشاندن بحران دست به اقداماتی می‌زنند، اما در عمل توفیق چندانی حاصل نمی‌کنند. برای مثال از آن می‌توان به سازمان ملل متحد اشاره کرد. بنابراین باید برای حل این معضل در جستجوی راه‌کارهای اساسی بود. ما با پذیرش این نکته که دین می‌تواند و باید که بتواند پیام صلح خود را امروزه عملی کند، باید به دنبال رویکردی مناسب در حوزه دین باشیم. رویکردی که مطابق با شرایط حاضر در عصر جهانی شدن داشته باشد و در نتیجه بتوانیم آن را در برنامه‌های تربیت دینی خود به اجرا در آوریم.

اگر نظام تربیت دینی، از مسئولیت تربیت و آموزش صلح تربیت شهروندان صلح‌جو اجتناب ورزد، ما به هیچ عنوان نخواهیم توانست شاهد کاهش خشونت و توقف جنگ‌ها - که عاملی برای نابود کردن نژاد انسان‌ها و نابودی زندگی دیگران بر روی زمین است، باشیم. بچه‌ها باید به گونه‌ای تربیت شوند که خودشان را جزئی از یک خانواده بزرگ - که با همدیگر روی یک سیاره زندگی می‌کنند - بدانند. در همین رابطه یادگیری زبان‌های دیگر و ارائه داستان‌هایی از سایر فرهنگ‌ها، آگاهی یافتن از دهکده جهانی همه می‌تواند به چنین تصویری از زندگی نقش مؤثری داشته باشد. همچنین دانش‌آموزان را باید به جهت دوستی جهانی، عفو و گذشت، حمایت و همدردی با مردم سوق داد.

پیشنهادهای

۱. مهم‌ترین شرط در استقرار فرهنگ صلح جهانی، متقاعد کردن سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مدارس درباره اهمیت آموزش صلح است تا از یک طرف بودجه لازم اختصاص داده شده و نیز در فضا سازی مدارس تجدیدنظر شده و هرگونه عاملی که به تحریک فراگیران به خشونت می‌گردد، حذف شود.
۲. یکی از موانع استقرار فرهنگ صلح، وجود قوانین خشن و انعطاف‌ناپذیر انضباطی در مدارس است که اولیای مدرسه و

در کنار «عدل آورده، می‌فرماید: ان الله یامر بالعدل و الاحسان (نحل / ۹۰)؛ خداوند شما را به اجرای عدل و احسان فرمان می‌دهد». اگر در جامعه بشری چیزی جز این قانون نمی‌بود باز می‌توانست میان افراد و ملت‌ها صلح و دوستی به بار بیاورد و می‌بینیم که انسان امروز بیش از هر روزگار دیگر، نیاز به نیکوکاری و جلوگیری از جنگ و درگیری دارد، زیرا ابزارهای کنونی جنگ و نابودی انسان، نه فقط یک شهر و یک کشور، که تمام جهان را تهدید به نابودی می‌کند. متأسفانه دست‌هایی در سطح بین‌الملل وجود دارد که با آموزش غیرمستقیم جنایت و خشونت در رسانه‌های گروهی و سینما، عملاً بشریت و نسل‌ها را به سوی جنگ و نابودی سوق می‌دهد و بر زحمت مربیان دینی و اخلاقی می‌افزاید.

نتیجه‌گیری

دین فواید بی‌شماری برای زندگی انسان‌ها به ارمغان آورده است که مهم‌ترین آنها هدایت انسان به سعادت پایدار اخروی است. اما علاوه بر این، نقش دین را نمی‌توان در زندگی مدنی انسان‌ها نادیده گرفت، چرا که بسیاری از مؤلفه‌های اساسی تمدن همچون اخلاق، علم، معنویت و سیاست عدل‌محور، در پرتو دین به زندگی اجتماعی بشر راه یافته‌اند. ادیان آسمانی و پیامبران الهی همواره پیام‌آور صلح و زندگی مسالمت‌آمیز برای انسان‌ها بوده‌اند و پیروان خود را همواره به این مهم دعوت کرده‌اند. اگرچه در مواقعی دیندارانی با افکار متعصبانه و کج‌اندیشانه خود ناآرامی، جنگ و خشونت با دیگر پیروان مذاهب را موجب شده‌اند که نمونه‌های آن در تاریخ کم نیستند.

در آغاز هزاره جدید چالش‌های عمیقی فراروی جامعه جهانی وجود دارد. موارد متعددی چون انزوای و گوشه‌گیری جوانان از جامعه، افزایش میزان جنایات خشونت‌بار جوانان و نوجوانان، تخریب محیط زیست و درگیری‌های متعدد محلی و بین‌المللی از جمله این مسائل هستند. به علت پیچیدگی‌های موجود در جهان معاصر و گسترش وسایل ارتباط جمعی، بسیاری از کودکان خشونت را از طریق رسانه‌ها فرا می‌گیرند (دواین^۱، ۱۹۹۸). همچنین ظهور اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای خشونت را بیش از پیش ترویج

1. Dewine

- فتحی و اجارگاه، کوروش، معصومه اسلامی. (۱۳۸۷). بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی و معلمان دوره ابتدایی شهر تهران، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۵، سال هفتم، بهار.

- گلشنی، مهدی. (۱۳۸۵). علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.

- محسن‌پور، بهرام. (۱۳۸۵). برنامه درسی صلح‌محور از نظر کانت، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

- Benveniste L. (1999). The politics of educational reforms in the Southern Cone. PhD. Dissertation, School of Education, Stanford University, USA.

- Carnoy, Martin (1999). Globalization and educational reform: What planners need to know. Paris. UNESCO: International Institute for Educational Planning.

- Carnoy, M. & Rhoten, D. (2002). What do globalization mean for educational change? A comparative approach. Comparative Education Review 46, 1.

- Carro, Jorge L (1987). Education For Peace Delivered at the sixty-first Annual American School Health Association Convention, Indianapolis, Indiana, October.

- Dewine, Y (1998). Education for a peaceful World. Journal of American Psychologist, 48 (3).

- Edwards, Richard & Usher, Robin (2000). Globalization and Pedagogy: Space, Place, and Identity. London: Routledge.

- Groff, Linda (2005). A Holistic View of Peace Education. Social Alternatives. 21(1). PP 7-10

- Hakvoort, I & Oppenheimer, L (1998). Understanding peace and war: A review of developmental Review 518 5353D 389.

- Harris, Ian, and Patricia Mische (2002). On the Relationship Between Peace Education and Environmental Education. www.marquette.edu/polisci/ITJWeb/JusticeConfPapers/Harris. Pdf

- Harris, Ian, M (2001). Challenges For Peace Educators at the Beginning of the Twenty-first Century Paper Presented at the Annual Meeting of The American Educational Research Association (Seattle 2002) WA. April.

- Hendrickson, J. A. (1999). An interpretive study of the meaning of peace education, Unpublished Ph. D. Dissertation, Arizona State University.

- James, Arthur et al (2003). Teaching citizenship in the secondary school. London: David Fulton.

- Lin Jing (2007). Love and Wisdom in Education: Transforming Education for Peace. pg. 362.53; Academic Research Library, Harvard Education Review; 77 Reardon.

- The International Schools Association Global Issues Network (2006): Education for Peace: A Curriculum Framework K-12. www.isaschools.Org

به‌خصوص معلمان با استفاده از قوانین مذکور سعی در کنترل فراگیران دارند. با توجه به اینکه کنترل و محدود کردن فراگیران منجر به شکل‌گیری نوعی خشونت در مدرسه می‌گردد، باید در جهت حذف این قوانین یک‌طرفه کوشید. در واقع مقررات انضباطی و مجازات‌های تخلفات باید از طریق مشورت با فراگیران تعیین شود تا از طریق نوعی منع درونی، از اعمال خشونت و تخلف از قوانینی که خود وضع کرده‌اند، دست کشیده و صلح و امنیت در محیط مدرسه را تجربه کنند.

۳. یکی از ارکان تربیت دینی صلح، توجه و احترام به ادیان

مختلف و فرهنگ‌های متنوع است. بنابراین معلمان و مسئولین باید با برنامه‌هایی همچون دیدار از اماکن مذهبی سایر اقلیت‌های

دینی، محیط‌های فرهنگی متعدد، پخش فیلم‌های آموزنده و ... دانش‌آموزان را با تفکرات و فرهنگ و دین سایر ملل آشنا سازد.

۴. به دلیل وابستگی شدید دانش‌آموزان به خانواده‌های خود،

با تدابیر مناسب در کنار آموزش فراگیران به آموزش والدین نیز پرداخته شده و استراتژی‌های ایجاد و افزایش صلح مانند حل

مسئله، تفکر انتقادی، مذاکره و میانجی‌گری، تفکر خلاق و ... در محیط منازل نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۵. با توجه به اینکه خشونت و تعارض ابتدا در ذهن افراد

شکل می‌گیرد، بنابراین بیشترین تمرکز تربیت باید به اصلاح ذهن و رشد قوه تفکر فراگیران در زمینه جنگ، صلح، امکانات و

خطرات هر یک باشد.

۶. در تربیت دینی اسلامی، آموزش دین و زندگی، ارزش‌های

جهان‌شمول ادیان دیگر ارائه شوند.

منابع:

- بخشی، عباس، حسین اویسی. (۱۳۸۲). جهانی‌شدن، بیم‌ها و امیدها، قزوین، نشر حدیث.

- شمشیری، بابک و دیگران. (۱۳۸۷). نقش تربیت دینی در تحقق صلح جهانی، هشتمین همایش برنامه درسی، جهانی‌شدن و بومی‌ماندن برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها، دانشگاه مازندران، بابل، آبان.

- شمشیری، بابک. (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، تهران: انتشارات طهوری.

- فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۸۲). بررسی جایگاه صلح و جنگ در کتب درسی دوره ابتدایی، مجله علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.